

## Strategies for Securing the National Interests of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf

Mohammad Eqbal Aliasghari<sup>1</sup>

*(Received: 05/03/2023- Accepted: 12/05/2023)*

### Abstract

Success in the rapid advancement of development along with economic pragmatism has caused India to become one of the most dynamic countries in the world economy and secondly to be considered as an emerging center of wealth and power in the world. On the one hand, the economic development requirement of this country and extensive transformations in the international system have imposed a new direction on the foreign policy of this country in the Middle East and towards Israel and Iran. In this article, we focus on the reasons for changing India's Middle East policy from a policy that was defined in the light of the principle of non-alignment in the Cold War era to a policy that was redefined based on the new needs of India's national interests. Therefore, according to the above premises, the main question of the article is raised as follows: What changes have been made in India's foreign policy towards Israel and Iran, considering the options facing India? The hypothesis of the article, using the theory of balance of interests, is that the foreign policy of India in the Middle East has changed from an ideological and third-world policy based on the principles of non-commitment to a policy of multiple and multilateral commitments based on the necessity of access to oil and energy resources. And gas, markets, and military weapons. This article is written based on the descriptive-analytical method and uses virtual sources, specialized publications, and in terms of the subject area of this article, it examines India's policy towards the countries of Iran and Israel until 2023.

**Keywords:** India, Middle East, National interests, Iran, Israel

---

<sup>1</sup> Ph. D., Department of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Me.aliasghari@sndu.ac.ir)

**Orcid Code:** <https://orcid.org/0000-0001-7964-1377>



## راهبردهای تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس

محمد اقبال علی اصغری<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲)

### چکیده

خلیج فارس مهم‌ترین خطه آبی منطقه است که علاوه بر ظرفیت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با بهره‌مندی از منابع سرشار نفت و گاز از اهمیتی راهبردی در تعاملات بین‌المللی برخوردار است. برخی از تحلیلگران روابط بین‌الملل معتقدند که مهم‌ترین شرایط استمرار بقا و حضور فعال در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کنونی توجه به منافع ملی است. تامین منافع ملی ج. ا. ایران در خلیج فارس، نیازمند شناخت عوامل تأثیرگذار در این حوزه است. هدف اصلی تحقیق ارائه راهبردهای تامین منافع ملی ج. ا. ایران در خلیج فارس است، بنابراین سوال تحقیق این است که راهبردهای تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس کدامند؟

این تحقیق از نوع کاربردی توسعه‌ای و روش آن موردی زمینه‌ای است. حجم نمونه آماری تحقیق ۵۴ نفر است. روش گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده که با تحلیل عمیق مبانی نظری، عوامل مؤثر بر منافع ملی ایران در خلیج فارس را احصاء نموده و سپس در قالب پرسشنامه با استفاده از تحلیلهای کمی و کیفی به صورت آمیخته نسبت به استانداردسازی و بومی‌سازی این عوامل اقدام شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده و با استفاده از ابزار IFE و EFE تعداد ۸۶ عامل (۲۵ قوت، ۱۶ ضعف، ۲۱ فرصت و ۲۴ تهدید) شناسایی و سنجش شده و نهایتاً به روش SWOT راهبردها تدوین شده و نسبت به تعیین اولویت اجرایی آنها با استفاده از روش QSPM اقدام شده است. بر اساس نتایج تحقیق تعداد ۱۱

۱. دکتری امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

(Me.aliasghari@sndu.ac.ir)

## ۱۴۶ فصلنامه تعاملات دیپلماتیک

راهبرد برای تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس احصا گردید. پس از تحلیل عوامل درونی و خارجی و مشخص شدن نقاط موجود و مطلوب، وضعیت موجود کشورمان در حوزه منافع ملی در خلیج فارس در ربیع رقابتی ارزیابی شده است. واژگان کلیدی: راهبرد، منافع ملی، خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئو راهبردی خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته محسوب می‌شود. انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی و راهبردی در این منطقه هستند. خلیج فارس بعد از خلیج مکزیک و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان است. با این اوصاف خلیج فارس مهم ترین خطه آبی منطقه است که علاوه بر ظرفیت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با بهره مندی از منابع سرشار نفت و گاز از اهمیتی راهبردی در تعاملات بین‌المللی برخوردار است. بنابراین امنیت و ثبات پایدار در حوزه خلیج فارس به‌عنوان یک پیش درآمد اصلی برای تحقق هرگونه فعالیت توسعه‌ای، عملاً مستلزم هماهنگی و همکاری شفاف همه کشورهای منطقه در دستیابی به منافع مشترک و گسترش تعاملات راهبردی در این منطقه است. خلیج فارس برای جهان، منطقه و ایران اهمیت فوق العاده‌ای دارد، به گونه‌ای که آن را هارتلند نظام بین‌الملل در قرن ۲۱ نامیده‌اند، این دریای نیمه بسته مهمترین فضای ژئوراهبردی و ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. امنیت و تامین منافع ملی ایران به مقدار زیادی به وجود امنیت و ثبات در خلیج فارس بستگی دارد و وجود ناامنی در این منطقه منافع ملی کشورما را به مخاطره خواهد انداخت. در این منطقه حجم بالایی از منازعات وجود دارد. اختلافات قومی- مذهبی و تاریخی، در کنار درگیری‌های مرزی و سوء تفاهات و اختلافات سیاسی از جمله عوامل واگرایی در این منطقه بوده و هست. علاوه بر عوامل فوق، حضور و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای باعث گسترش مناقشات و افزایش ناامنی در منطقه خلیج فارس شده است. در حالی که ج.ا.ایران حضور قدرت‌های خارجی را یکی از عوامل اصلی ناامنی و بی‌ثباتی در این منطقه می‌داند، کشورهای عربی منطقه خلیج فارس با خرید و انباشت سلاح، امنیت استقرایی خود را در سایه حضور این قدرتها تعریف می‌کنند. از

طرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتمندترین کشور منطقه، بطور طبیعی باید اصلی‌ترین نقش را در اجرای هر گونه راهبرد امنیتی در خلیج فارس دارا باشد. ظرفیت‌ها و توانایی‌های ج.ا.ایران به عنوان با سابقه‌ترین کشور منطقه با داشتن ویژگی‌های منحصر بفردی مانند وسعت زیاد، جمعیت فراوان، منابع طبیعی کافی و متنوع، موقعیت جغرافیائی ویژه، توانمندی‌های دفاعی و... و مهمتر از اینها استقرار حکومت جمهوری اسلامی و محبوبیتی که در میان مسلمانان دارد، واقعیتی انکارناپذیر بوده و بر نقش بازیگری ج.ا.ایران صحنه می‌گذارد. نقش برجسته و تاثیرگذار تهران در گرایش‌های گسترده اسلامی چیزی نیست که بتوان از آن به راحتی گذشت. به دلیل ملاحظات فوق و وضعیت پیچیده حاکم بر این منطقه شاید بتوان گفت نوعی معمای امنیتی در خلیج فارس شکل گرفته است. طبعاً در چنین وضعیتی به سمت همگرایی رفتن برای تأمین منافع ملی در این منطقه امری دشوار به نظر می‌رسد. لذا مساله این پژوهش این است که راه حلی برای این مشکل ارائه نماید. بنابراین محقق در نظر دارد از طریق شناخت عوامل محیطی خلیج فارس راهبردهای لازم جهت تأمین حداکثری منافع ملی ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس را ارائه نماید. بنابراین سوال اصلی تحقیق این است که راهبردهای تأمین منافع ملی ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس کدامند؟

### پیشینه‌شناسی تحقیق

در ارتباط با موضوع این تحقیق، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به جدیدترین آنها اشاره می‌شود:

- ۱- پروژه تحقیقاتی: تبیین جایگاه اجتماعی و فرهنگی خلیج فارس در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران و ارائه راه‌کارهای تحقق الزامات آن نوشته علایی، حسین و رستمی، علی‌اکبر، (۱۳۹۲) دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)
- خلاصه و نتیجه تحقیق: از نظر اجتماعی و فرهنگی، خلیج فارس محل پیدایش

سه دین توحیدی و به ویژه اسلام و دارای قدمت تاریخی زیاد در فرهنگ و تمدن اسلامی و غیراسلامی است. مشروعیت نظام‌های سیاسی منطقه از اسلام است و تعاملات فرهنگی و دینی میان کشورهای منطقه و خارج از آن، می‌تواند منجر به ایجاد و افزایش حوزه تعامل اجتماعی و فرهنگی کشور با همسایگان و سایر نقاط دنیا و در نتیجه افزایش حوزه نفوذ فرهنگی کشور شود. براساس نتایج حاصل از پژوهش، با درجه اطمینان ۹۵ درصد، مؤلفه فرهنگی و اجتماعی خلیج فارس در راهبرد دفاعی ایران، دارای تأثیر بالایی است.

۲- پروژه تحقیقاتی: بررسی عوامل بازدارنده آمریکا در تعرض به منافع امنیتی ج.ا.ایران در خلیج فارس در سه دهه گذشته در بُعد نیروی دریایی نوشته، کریمی، یوسف، (۱۳۹۲)، مرکز تحقیقات دفاعی راهبردی

خلاصه و نتیجه تحقیق: نتایج این پروژه تحقیقاتی نشان می‌دهد مهمترین عوامل بازدارنده تهدیدات آمریکا علیه ج.ا.ایران در خلیج فارس عبارتند از: ۱- اراده ملی و انگیزه عالی رهبران نظام و فرماندهان نظامی در دفاع از سرزمین و کیان ایران؛ ۲- توانایی بالای ج.ا.ایران در مدیریت جنگ احتمالی آینده؛ ۳- تسلط نیروی دریایی ج.ا.ایران بر منطقه خلیج فارس؛ ۴- توانایی فرسایشی کردن جنگ از سوی ج.ا.ایران؛ ۵- نابودی پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه؛ ۶- آسیب‌پذیری کشورهای متحد آمریکا در منطقه.

۳- تکوین و تحول منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نوشته باقیان زارچی، مرتضی (۱۳۹۴) دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، رساله دکتری

نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد منافع ملی ج.ا.ایران طی فرآیندی تعاملی میان آرمان‌ها و تهدیدات تکوین یافته است و هرکدام از این دو متاثر از عوامل محیطی و ساختاری و ویژگی‌های کارگزاری گوناگون قرار دارند. تعامل و کنش متقابل میان آرمان‌ها و تهدیدات، فرآیند پویایی است که به تحول دائمی منافع ملی در ادوار مختلف سیاست خارجی ج.ا.ایران منجر شده است.

۴- مقاله علمی بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا. ایران نوشته عاشوری، غلامرضا، عزتی، عزت‌اله و مرتضایی، شیدا (۱۳۹۷) و فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی با بررسی پیشینه‌ها معلوم شد پژوهش منسجمی که بیان‌کننده راهبردهای تامین منافع ملی ج.ا. ایران در خلیج فارس باشد صورت نگرفته است. لذا آنچه بعنوان هدف تحقیق ذهن محقق را بخود معطوف نمود این بود که با توجه به ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدات و فرصتها طرح راهبردی تامین منافع ملی ایران در خلیج فارس را ارائه نماید.

## مفاهیم

### راهبرد

راهبرد در لغت به معنی فن اداره عملیات جنگی و دانش رهبری نظامی است (معین، ۱۳۷۱: ۲۴۷). راهبرد برنامه‌ریزی امکانات است که شامل تشخیص و آرایش توانایی‌های سازمانی برای استقرار پیروزمندانه آن در شرایط محیطی متفاوت است (آنسف و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۲). به عقیده مینتز برگ، کوئین و گوشال راهبرد سازمان عبارت است از: الگوی تصمیمات سازمان که بیانگر و مشخص‌کننده کننده هدف‌ها و مقاصد سازمان و منشاء سیاست‌های اصلی و برنامه‌هایی برای نیل به این هدف‌ها است و دامنه و نوع فعالیت‌های سازمان و نیز شیوه سازماندهی منابع اقتصادی و انسانی آن را در راستای دستیابی به مقاصد و تأمین خواسته‌های سهام‌داران، کارکنان، مشتریان و گروه‌های ذی‌نفع تعریف می‌کند (Mintezberg an et.al: 53- 60). «راهبرد» یکی از مسائل مطرح و پرکاربرد در مباحث مدیریت سازمانی و مدیریت راهبردی است. برخی معتقدند که «راهبرد»، عمل تجهیز و به کارگیری نیروها و توانایی‌ها در جهت

دست‌یابی به هدفی معین است. در کتب لغت، «راهبرد» به معنای «استراتژی» آمده است (انوری، ۱۳۸۱: ج ۴، ۳۵۶۹). «استراتژی عبارت است از مسیری که به موازات اجرای مأموریت، ما را به سوی چشم‌انداز رهنمود می‌نماید یا به بیان دیگر؛ استراتژی مسیر حرکت به سوی چشم‌انداز را ارائه می‌دهد» (آهنچی، ۱۳۸۹: ۳۶۱).

### منافع ملی

منافع ملی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم سیاسی مربوط به سیاست خارجی کشورهاست. منافع ملی آن دسته از منافع تلقی می‌شوند که دولت‌ها به عنوان یک مجموعه در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن باشند. مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی کشورها در دوران پس از جنگ جهانی دوم و تحت تاثیر آموزه‌های مکتب واقع‌گرایی مورد توجه واقع شد. در این دوران هانس‌جی مورگنتا یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، نظریه واقع‌گرایی سیاست بین‌الملل را بر مبنای مفهوم منافع ملی بنا نهاد. مورگنتا منافع ملی را آن دسته از منافع تلقی می‌کند که دولت‌ها در یک برهه زمانی خاص و در پرتو شرایط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی سیاست خارجی خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کنند و در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن هستند (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۷۶)

### خلیج فارس

این منطقه از مهمترین مناطق جهان از منظر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک به حساب می‌آید. و یکی از مناطق راهبردی مهم دنیا محسوب می‌شود. خلیج فارس آبراهی راهبردی است که حجم بالایی از منازعات را به خود دیده است. اختلافات قومی - مذهبی و تاریخی، در کنار درگیری‌های مرزی و سوءتفاهمات سیاسی از جمله عوامل واگرایی در این منطقه بوده است. از طرف

دیگر موقعیت راهبردی این منطقه سبب شده تا توجه دولت‌های استعماری به این منطقه جلب شود که همین امر یکی از عمده‌ترین دلایل ناامنی و بی‌ثباتی در خلیج فارس به شمار می‌رود. جایگاه انرژی خلیج فارس نیز موقعیت ممتازی به آن می‌بخشد که در مجموع شامل؛ ۵۹/۱ درصد از کل ذخایر ثابت شده نفت و ۴۰ درصد از کل ذخایر ثابت شده گاز جهان است. خلیج فارس تقریباً ۴۱ درصد مصارف نفتی جهان را تامین می‌کند (گزارش مرکز تحقیقات راهبردی، ۱۳۸۹). لذا خلیج فارس منزلت ژئوپلتیک بالایی کسب می‌نماید که در موازنه قدرت جهانی بسیار تاثیرگذار است. به همین دلیل انگلستان و سپس ایالات متحده به این منطقه توجه خاصی داشته و دخالت این بازیگران فرامنطقه‌ای از دهه های قبل باعث گسترش مناقشات امنیتی در خلیج فارس شده است. «به دلیل سطح بالای همین دخالت‌های فرامنطقه‌ای و همچنین اهمیت راهبردی این منطقه، کشورهای همجوار ناگزیر با یک جور معمای امنیت مواجه هستند و لذا نمی‌توانند مسائل امنیت ملی خود را بدون توجه به مسائل منطقه‌ای طرح و حل و فصل نمایند» (مرادی، ۱۳۹۴: ۹)

### مبانی نظری: نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان

واضح نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان است بوزان در تعریف اولیه از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای چنین اظهار می‌دارد گروهی از دولت‌ها که نگرانی اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدایی از یکدیگر مورد توجه قرار داد. در کتاب مناطق و قدرت‌ها نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد بازنگری قرار گرفت در تعریف جدید بوزان و ویور یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین توضیح داده‌اند مجموعه‌ای از واحدها که در آنها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دوی آنها آن اندازه درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدایی از یکدیگر تحلیل یا حل شود (بوزان و ویور،

۱۳۷۸:۵۵). بعد از جنگ سرد منطقه‌گرایی به عنوان یک چشم‌انداز نظم امنیتی شناخته شد. منطقه به عنوان یک واحد جغرافیایی است که از چندین کشور تشکیل شده که حدود آن براساس مرزهای فیزیکی و ویژگی‌های ایدئولوژیک تعیین می‌گردند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۴). در واقع برای شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای چندین متغیر لازم است از مهمترین متغیرها وضعیت جغرافیایی است. همجواری چند کشور، مرزها، وسعت و غیره عناصر جغرافیایی هستند که براساس آنها منافع مشترک یا متضادی را برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند از جمله متغیر دیگر هویت است عوامل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی در پیدایش هویت یک منطقه نقش مهمی را ایفا می‌کند. شباهت‌ها و تضادها پیش زمینه شکل‌گیری نظام منطقه‌ای را فراهم می‌کنند. از دیگر متغیرهای تاثیرگذار بر شکل‌گیری نظام‌های منطقه‌ای نیازهای اقتصادی کشورهای یک منطقه به یکدیگر و پیوندهای فرهنگی، قومی، مذهبی و تاریخی است که در پیدایش نظام‌های منطقه‌ای نقش زیربنایی را دارند.

ادبیات نظری تحقیق (ابعاد و ظرفیت‌های خلیج فارس برای تامین منافع ملی ج.ا.ایران)

### اهمیت ابعاد راهبردی منطقه خلیج فارس

بطور خلاصه باید گفت آنچه در ابتدا خلیج فارس را به شاه‌رگ حیاتی جهان تبدیل نمود، کشف نفت بود؛ کالایی که پس از گذشت قرن‌ها، با وجود پیشرفت علم و فناوری هنوز جایگزین مناسبی برای آن یافت نشده است. اما اهمیت این منطقه، صرفاً در وجود منابع گسترده معدنی آن خلاصه نمی‌شود و نقش سیاسی منطقه خلیج فارس، با توجه به اهمیت ایدئولوژیکی، ارتباطی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک آن متبلور و آشکار می‌شود. در واقع، برای بررسی و تحلیل اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس، بررسی و مطالعه مؤلفه‌های ذیل امری ضروری می‌نماید:

- الف) وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس؛  
ب) ذخایر عظیم نفت و گاز (اهمیت ژئواکونومیک)؛  
ج) بازار مصرف (اهمیت تجاری و اقتصادی)؛  
د) ظرفیت فرهنگی (اهمیت ایدئولوژیکی).

### ظرفیت طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس به لحاظ وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی، از دیر زمان حائز اهمیت بوده است. از یک طرف، این منطقه حلقه ارتباطی میان شرق و غرب بوده و از سوی دیگر، به دلیل داشتن تنگه هرمز که یکی از استراتژیک‌ترین تنگه‌های جهانی است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. «در واقع خلیج فارس محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر راهبردی، در منطقه خاورمیانه، به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین سه قاره است و بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دو دریای مدیترانه و سرخ و دو اقیانوس هند و اطلس را به هم می‌پیوندد، تشکیل می‌دهد. به همین جهت، این موقعیت از روزگاران پیشین مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده است و تجار و بازرگانان، کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل می‌کردند و از آن جا به سواحل مدیترانه و اروپا و بالعکس می‌برند» (زارعی، ۱۳۷۸: ۱). در حقیقت تا قبل از کشف آمریکا، یعنی سال ۱۴۹۲ میلادی، کالاهایی چون مروارید، ابریشم، چینی، ادویه و...، از دو راه به غرب حمل می‌شد و آن دو راه مهم عبارت‌اند از:

۱- راه زمینی معروف به جاده ابریشم ۲- راه دریایی معروف به راه ادویه  
دو راه حیاتی فوق، از خلیج فارس و سواحل شرقی مدیترانه عبور می‌کردند. با کشف دماغه امید نیک، اهمیت خلیج فارس از نظر ارتباط کاسته نشد؛ زیرا به واسطه دوری مسیر دریایی، از دیرباز خلیج فارس یک چهار راه ارتباطی دریایی محسوب می‌شد و بنادر خلیج فارس لنگرگاه مناسبی برای کشتی‌ها بوده است.

«در حقیقت، کشتیها خلیج فارس را ایستگاه دریایی مناسبی برای دریافت خدمات دریایی و تبادل کالا می‌دانستند» (رفیعی، ۱۳۸۱: ۱).

### ظرفیت ژئواکونومیکی و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز

مهمترین عامل استراتژیک خلیج فارس، وجود منابع عظیم نفت و گاز است، به گونه‌ای که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده‌اند. با وجود تحولات دهه‌های اخیر و تلاش برای جایگزین کردن انرژی‌های آب، باد، خورشید، اتم و...، هم چنان نفت به عنوان انرژی برتر و اصلی‌ترین ماده اولیه تولیدی صنایع، اهمیت خویش را حفظ کرده است و روز به روز بر ارزش آن افزوده می‌شود. در واقع نفت، «کالای استراتژیک» به شمار می‌آید که از راه‌های گوناگون بر سیاست‌های جهانی تأثیرگذار است و هر گونه تغییر و تحولی در صادرات آن، پیامدهای یکسانی بر کل جهان دارد و عدم ثبات بهای نفت، تهدیدی جدی است که همواره بازارهای نفتی را با بحران مواجه می‌کند. نفت در طی قرن بیستم، در حقیقت عامل بسیار مهمی در تحولات نظامی سیاسی و اقتصادی جهان بوده و برای سال‌های قابل پیش‌بینی نیز چنین خواهد بود. در این میان «منطقه خلیج فارس، به علت تسلط بر ذخایر عظیم و قدرت تولید و توان صادراتی قابل توجه، در حقیقت مرکز این تحولات و وقایع مهم بوده است و هست و تقریباً همه کشورهای جهان، کم و بیش وابسته به این حوزه هستند و حیات اقتصادی و نظامی - سیاسی بسیاری از این کشورها، به خصوص کشورهای غرب، ژاپن و چین، به ادامه بی‌وقفه جریان نفت از حوزه خلیج فارس وابسته است» (الهی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). بنابراین خلیج فارس از مهم‌ترین مخازن انرژی جهان به شمار می‌آید که در تأمین انرژی آینده جهان، نقشی اساسی بر عهده دارد. نیاز روزافزون کارخانجات صنعتی به نفت و غیر قابل جایگزین بودن آن توسط انرژی‌های دیگر، به منطقه خلیج فارس «جایگاه ژئواکونومیکی» خاصی بخشیده است.

در واقع، منطقه خلیج فارس افزون بر موقعیت ژئوپولیتیک، موقعیت ژئواکونومیکی نیز دارد و آنچه از همه بر احراز چنین موقعیتی تأثیرگذار بوده، مسأله نفت و گاز است. تحولات نظام بین‌الملل، بیانگر آن است که در هزاره سوم میلادی، قدرت برتر از آن کسی خواهد بود که بر انرژی جهانی، به ویژه نفت و گاز تسلط یابد و بنابراین، جای تعجب نیست که خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین مخزن انرژی جهان، کانون توجه جهانی قرار گرفته است. «این منطقه، دارای ذخایر نفتی جهانی بسیار بالایی است و از این نظر، برای کشورهای صنعتی شاهرگ حیاتی به شمار می‌آید که چرخه اقتصاد را به گردش در می‌آورد. کشورهای خلیج فارس، ۶۴ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می‌کنند». (رودباری، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۷) به علاوه، عمق کم خلیج فارس، امکان بهره‌برداری از منابع نفت هم چنین منابع دریایی آن را به سهولت و ارزانی فراهم می‌آورد و هزینه‌های پایین استخراج نفت و گاز، توجه کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است. به طور خلاصه به لحاظ ذخایر نفتی، مزیت خلیج فارس در برابر دیگر نقاط جهان، به شرح ذیل است:

«الف) منابع نفتی فراوان منطقه (۶۴ درصد کل ذخایر جهان، در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد)؛

ب) سهولت استخراج؛

ج) هزینه تولید پایین (هزینه تولید اوپک، بین یک تا سه دلار در مقایسه با هزینه شش تا ده دلار برای هر بشکه تولیدکنندگان غیر اوپک است)؛

د) مزاد ظرفیت تولید، به طوری که این کشورها، دارای مصرف بسیار محدود بوده و اصولاً جهت صادرات و اقدام به تولید و استخراج نفت می‌نمایند. کل کشورهای اوپک، دو درصد و کشورهای حوزه خلیج فارس، کم‌تر از یک درصد مصرف جهانی نفت را دارند؛

ه) کیفیت بالای نفت خام منطقه؛

و) سهولت حمل و نقل؛

ز) توان تولید زیاد چاه‌های نفت (در حوزه خلیج فارس، از هر حلقه چاه نفت، حدود ۲۵۰۰۰۰ تن نفت در سال می‌توان استخراج کرد، در حالی که حجم قابل مقایسه در آمریکا، فقط ۱۰۰۰ تن در سال است)

ح) امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در این منطقه، در مقایسه با سایر مناطق جهان» (الهی، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

یکی دیگر از منابع پراهمیت انرژی، گاز طبیعی است. میزان قابل توجهی از این انرژی، در منطقه خلیج فارس یافت می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد «پس از روسیه، جمهوری اسلامی ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان، به ترتیب دومین، سومین، چهارمین و پنجمین ذخایر بزرگ گاز را در دنیا در اختیار دارند. ذخایر این منطقه، مخازن گازی شمال قطر و میدان پارس جنوبی ایران را در بر می‌گیرد» (جوادی، ۱۳۸۰: ۶۲).

### ظرفیت تجاری و مبادلاتی و بازار مصرف منطقه

کشورهای حاشیه خلیج فارس که بیشتر در شمار کشورهای جهان سوم هستند، در اوایل قرن نوزدهم و با اکتشاف نفت، به درآمدهای بادآورده‌ی کلانی دست یافتند که هیچ گونه تلاشی برای کسب آن انجام نداده بودند. از سویی دیگر، به دلیل ساختار غیردموکراتیک حاکمیت در این منطقه، بیشتر حاکمان، مقبولیت چندانی در بین افکار عمومی داخلی نداشتند و با علم به این واقعیت، حرکت به سمت سیاست‌های رفاه عمومی را آغاز کردند، بدون آنکه اقتصاد این کشورها از زیرساخت‌های مناسب برخوردار باشد. کم کم فرهنگ مصرف‌گرایی در میان اقشار جامعه رواج یافت و دولت مجبور بود برای پاسخ به تقاضاهای مصرفی، هر روز بیش از پیش به واردات کالاهای لوکس خارجی بپردازد. همچنین در حوزه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، از آن جا که توانایی جذب سرمایه‌های کلان را نداشتند، به جای گسترش صنایع مادر، به توسعه صنایع مونتاژ اکتفا کردند و بدین ترتیب، هر روز بیش از پیش به واردات خارجی وابسته شدند. «اسراف در

مصرف، تمایل زیاد به واردات و افزایش بی حساب هزینه‌های نظامی موجب برگشت قسمت زیادی از درآمدهای نفتی به غرب گردید (مدنی، ۱۳۶۳: ۲۲۲). ذخایر ارزی فراوان و بالا رفتن قدرت خرید، این امکان را به وجود آورده است که هر کالایی را به هر قیمتی که شده، از هر نقطه دنیا، از ریودوژانیرو گرفته تا توکیو و نیویورک تا سنگاپور تهیه کنند. مقامات دولتی برای خشنودی مردم، بدون آینده‌نگری، هر آن چه را با پول می‌توان به دست آورد، خریداری می‌کنند و تلاش دارند که کمبودها را با واردات جبران کرده، اشتباهات خود را پوشیده نگاه دارند. بدین ترتیب، درآمدهای کلان نفت، مانع ظاهر شدن نارسایی‌ها و مشکلات موجود حاصله از اعمال سیاست‌های غلط کشاورزی و صنعتی می‌شود. این کشورها، حتی برای تهیه موادغذایی نیز نیازمند بازارهای خارجی شده و در حوزه کشاورزی نیز که عموماً تا قبل از آن صادرکننده بودند، نیازمند واردات از خارج شده‌اند. در واقع، مصرف‌گرایی بیماری جدیدی است که اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس را فلج نموده و بیش از پیش به محصولات خارجی وابسته ساخته است. گویی تولید و استخراج نفت، بیش از آن که به نفع تولیدکنندگان باشد، در راستای منافع کشورهای سرمایه‌داری است. درآمدهای نفتی، توان خرید این کشورها را بالا برده و به تبع میزان واردات آن‌ها را افزایش داده است و به این ترتیب، دلارهای نفتی، بار دیگر به ممالک صنعتی بازگردانده می‌شوند (Reuters : 2016).

### ظرفیت فرهنگی و اهمیت ایدئولوژیکی منطقه

به گواه تاریخ، منطقه خلیج فارس، همواره گهواره تمدن‌های درخشان بشری بوده است و اقوام بسیاری چون ایلامی‌ها، سومری‌ها، کلدانی‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها، مصری‌ها، کنتانی‌ها و فنیقی‌ها، فرهنگ خویش را از راه خلیج فارس به دیگر نقاط جهان صادر می‌کردند. گویی آنان «از خلیج فارس به عنوان کانون صدور پیام تمدن خود استفاده می‌نمودند» (الهی، ۱۳۹۶: ۱۸). به علاوه، این منطقه نه

تنها جایگاه تمدن‌های بزرگ بوده، بلکه خاستگاه پیامبران بزرگ الهی نیز بوده است؛ به ویژه، زادگاه پیامبر اکرم (ص) آخرین پیامبر الهی، در این منطقه قرار دارد. دین اسلام در قرن هفتم میلادی با ظهور پیامبر بزرگ آن، در شبه جزیره عربستان و در حقیقت در سرزمینی که تا آن زمان بستر حوادث و درگیری‌های بزرگی بود، به وجود آمد. این تفکر الهی، به سرعت گسترش یافت و قلمرو عظیمی را از اقیانوس اطلس تا کرانه‌های غربی اقیانوس آرام در بر گرفت.

«در حال حاضر، مجموعه عظیم جغرافیای جهان اسلام، سرزمینی را به طول یازده هزار کیلومتر و به عرض بیش از پنج هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع از نظر انسانی و طبیعی شامل می‌شود» (عزتی، ۱۳۹۴: ۳۱). که همه این مجموعه عظیم، تحت رهبری ایدئولوژیکی مرکز آن، یعنی خلیج فارس قرار دارد، به گونه‌ای که این منطقه، امروز به عنوان قلب جهان اسلام، هدایت تمام جریان‌های اسلامی را بر عهده گرفته است و خط دهنده تمامی حرکت‌های سیاسی - مذهبی و اسلامی سراسر جهان به شمار می‌آید. از آن جا که تحولات بزرگ سیاسی مذهبی جهان اسلام از این منطقه آغاز شده است، از ابتدای پیدایش قدرت‌های جهانی و شکل‌گیری سیستم‌های بین‌المللی، به این منطقه توجه ویژه‌ای صورت گرفته است؛ به خصوص حوزه خلیج فارس که حکم قلب منطقه را بازی می‌کند. این توجه، روزبه روز ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است، تا جایی که «گستره آب‌های خلیج فارس و دریای عمان، به عنوان محور استراتژی‌های جهانی در قرن بیست و یکم مورد تأکید قرار گرفته است» (عزتی، ۱۳۹۴: ۳۳). آقای مظفر نامدار در کتاب خود، از قول «برنالد لوئیس» می‌نویسد: «مواجهه بعدی، یقیناً از ناحیه جهان اسلام خواهد بود... ما با روحیه و حرکتی فراتر از سطح مسائل و سیاست‌هایی که دولت‌ها به دنبال آن هستند، روبه هستیم. این اوضاع، چیزی جز برخورد تمدن‌ها نیست. ممکن است این مسأله غیرمنطقی تصور شود، ولی تردید یک واکنش تاریخی است که رقیب دیرینه ما [اسلام] بر ضد میراث یهودی-مسیحی و سکولاریزم ما و هم چنین

گسترش جهانی این دو پدیده، از خود نشان می‌دهد» (نامدار، ۱۳۹۰: ۱۱). هراس غرب از نفوذ فرهنگ ملتی است که پس از سالها چپاول اقتصاد و فرهنگ، در حال بیداری است. احیای تفکر اصیل اسلامی، زنگ خطری است که فرهنگ غرب را به چالش خواهد کشید، آن‌گونه که برژینسکی می‌گوید: ممکن است آمریکا با خطر رویارویی فرهنگی - فلسفی با جهان اسلام روبه رو شود؛ جهانی که غرب را به طور قابل توجه‌ای از گرایش‌های عقیدتی و بنیادگرایانه آن در هراس است و در عین حال، به شدت در پی تحقیر آن نیز برآمده است (برژینسکی، ۱۳۸۵: ۲۲۵). حرکت یک مذهب که هم راه مردمی و اجتماعی و هم جهت سیاسی یک انسان را برنامه‌ریزی می‌نماید، شروع شده است (دیتل، ۱۳۷۶: ۲۰). این در حالی است که رهبری و هدایت مسلمانان جهان، در منطقه خلیج فارس قرار دارد؛ منطقه‌ای که خاستگاه دین اسلام بوده و مقدس‌ترین مکان‌های مذهبی مسلمانان در آن واقع است.

### اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس

منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظرگاه کشورهای مختلف والاترین دید ژئوپلیتیک و ژئوراهبردی را داشته و همچنان دارد، منطقه خلیج فارس است. این منطقه همچنین دارای منابع عظیم انرژی، شاهراه ترانزیت انرژی و اهمیت اقتصادی، نظامی و راهبردی است. در این حوزه در چهار دهه اخیر، سه رخداد مهم، تهاجم عراق به جمهوری اسلامی ایران، تهاجم عراق به کویت و سپس اشغال عراق توسط نیروهای فرا منطقه‌ای به رهبری آمریکا به وقوع پیوسته که بر اهمیت مذکور افزوده است. امنیت این حوزه نه تنها برای کشورهای عضو، حیاتی است بلکه امنیت مناطق همجوار از آسیای میانه گرفته تا مدیترانه و همچنین امنیت جهانی به خاطر منابع نفتی آن، به امنیت این حوزه وابسته است و جمهوری اسلامی ایران هم به دلیل داشتن بیشترین طول ساحل شمالی و همچنین پتانسیل‌های بالا نقش مهمی در امنیت نظامی و تبدیل این امنیت به

اهرم‌های قدرت دارد. در تحلیل ژئوپلیتیکی حوزه خلیج فارس و نقش آن در هندسه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، وضعیت حوزه خلیج فارس در ارتباط با مسائل جمهوری اسلامی ایران و همچنین بررسی عوامل منطقه‌ای خلیج فارس که امنیت جمهوری اسلامی ایران مستقیماً با آن مربوط است مطرح می‌شود. امنیت خلیج فارس همچنین لازمه جریان بی‌خطر صدور نفت و ورود کالاهای بازرگانی است. در ارزیابی کشورها و مناطق مختلف باید نگاه واقع‌بینانه حاکم باشد. هر کشور، منطقه و حوزه‌ای در جهان همچون انسان‌ها دارای شأن، مقام و ارزش بخصوص است. منطقه‌ای که کشورهای با تاریخ کهن، تمدن عظیم، عمیق، ملتی بزرگ و موقعیتی ممتاز را در حوزه خود جای‌داده باشد، با سایر مناطق که تاریخ، تمدن و هویت مشخصی ندارند قابل‌مقایسه نبوده و اهمیت این حوزه بطور خلاصه بدلائیل ذیل است:

- تأثیر این حوزه در معادلات و چالش‌های جهانی هم برای ایران وهم برای کشورهای این منطقه و کل جهان.

- موقعیت ژئوپلیتیک ویژه خلیج فارس؛

- کشورهای واقع در این حوزه همچون جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی از دیرباز و زمان پیدایش قدرت‌های جهانی بخصوص در دوران جنگ سرد و بعد از آن اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند؛

- داشتن موقعیت بحری، بری و حتی گذرگاهی و دارا بودن منابع عظیم انرژی و نقش ژئوپلیتیکی آن‌ها بخصوص نفت بر اهمیت این کشورها افزوده است؛

- تنگه راهبردی هرمز به‌عنوان گلوگاه اقتصاد جهانی از جهت صدور نفت ورود کالا جایگاه خاص خود را دارد؛

- اهمیت ژئوراهبردی و ژئوپلیتیک کشورهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی و گذرگاه هرمز به‌عنوان شاه‌کلید تمام فرآیندها و معادلات در این حوزه تأثیر جهانی دارد؛

- وجود مشترکات قومی، زبانی و مذهبی بین کشورهای حوزه خلیج فارس؛

- «چگونگی ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای بین این کشورها و تأمین امنیت از همین طریق و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در معادلات و طرح‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای» (رستمی، ۱۳۹۲: ۴۷-۵۳).

### روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش توصیفی و زمینه‌ای موردی و به صورت آمیخته (کمی و کیفی) است. نوع پژوهش توسعه‌ای کاربردپذیری است. پس از جنگ دوم خلیج فارس، از سال ۱۳۸۲ شمسی زمان تهاجم نظامی آمریکا علیه عراق تا سال ۱۴۰۴ شمسی می‌باشد. از نظر مکانی، حوزه جغرافیایی خلیج فارس است. از نظر موضوعی، نحوه‌ی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس را بررسی نموده است. جامعه آماری عبارتند از: مدیران، سفرا و دیپلماتهایی که نسبت به حوزه خلیج فارس آگاه بوده و همچنین اساتید عضو هیئت علمی و مدیران سیاسی متخصص در حوزه‌ی راهبرد منطقه‌ای و بین‌المللی داخلی و خارجی، که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بوده و اکثر قریب به اتفاق آنها بیش از دو دهه و بعضاً سه دهه در حوزه تخصصی خود تجربه کسب نموده‌اند، بر اساس ویژگی‌های بالا تعداد ۵۴ نفر به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند، با توجه به اینکه جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر است، لذا جامعه نمونه منطبق با جامعه آماری بوده و تحقیق به صورت تمامشمار انجام شده است. اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای علمی و تخصصی)» گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز با جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. در روش میدانی، پرسشنامه‌ای تنظیم شد که ۹۳ پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی گردید. در طراحی پرسشنامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، استادان و فرماندهان نظامی، شناسایی و سپس پرسشنامه مقدماتی تهیه و دو

## راهبردهای تامین منافع ملی... ۱۶۳

مرحله بین خبرگان توزیع شد و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه گردیده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دو مرحله‌ای پرسشنامه استفاده شده و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و یک نمونه اولیه بین خبرگان و کارشناسان پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از  $0/8$  به‌دست آمد، بنابراین پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد.

### شناسایی و تجزیه و تحلیل عوامل محیطی داخلی و خارجی

به منظور شناسایی و تجزیه و تحلیل محیطی حوزه خلیج فارس می‌بایست عوامل خارجی و عوامل داخلی که بر تامین منافع ج.ا.ا در خلیج فارس تاثیرگذار هستند، شناسایی می‌شدند، به کمک مطالعه ادبیات مرتبط با موضوع خلیج فارس این عوامل احصاء و با کمک گرفتن از خبرگان امر و بررسی نظرات آنها؛ این عوامل به صورت نظری به عوامل محیطی داخلی و خارجی، تقسیم‌بندی گردید به عبارتی در این پرسشنامه‌ها نظر خبرگان امر در مورد نوع عوامل مذکور (بعنوان یکی از عوامل چهارگانه محیط داخل و خارج شامل ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات) و همچنین وضع موجود این عوامل، در قالب سوالات پنج گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) که دارای مقادیر کمی معادل عدد ۱ الی ۵ به طوری که عدد ۱ نشان‌دهنده خیلی کم و عدد ۵ نشان‌دهنده خیلی زیاد، مورد پرسش قرار گرفتند که پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها نتایج و جمع‌بندی آنها به شرح ذیل است: لیست هریک از عوامل محیطی که جامعه آماری با آن موافق بوده به شرح جدول شماره ۱ است.

## جدول ۱. تعداد عوامل محیطی

عوامل محیطی	محیط داخلی موثر بر منافع ملی در خلیج فارس		محیط خارجی موثر بر منافع ملی در خلیج فارس	
	ضعف‌ها	قوت‌ها	فرصت‌ها	تهدیدات
تعداد	۱۶ مورد	۲۵ مورد	۲۱ مورد	۲۴ مورد

## تجزیه و تحلیل محیط داخلی (ماتریس ارزیابی عوامل داخلی)

به منظور تجزیه و تحلیل محیط داخلی و براساس پرسشنامه‌های تنظیم شده که بین جامعه آماری توزیع و پاسخ‌های اخذ شده از آنها مقادیر به دست آمده برای عوامل محیط داخلی یعنی ضعف‌ها و قوت‌ها، در قالب یک جدول درج و میانگین وضع موجود که بیانگر ضریب اهمیت آن عامل است به همراه نمره موزون هر عامل که حاصل ضرب وزن در ضریب اهمیت است محاسبه و برای هر یک از عوامل ضعف‌ها و قوت‌ها به صورت جداگانه محاسبه و نهایتاً مجموع نمره موزون ضعف‌ها را از مجموع نمره موزون قوت‌ها کم کرده، مقدار کمی برای محیط داخلی بدست می‌آید، که نتایج آن به شرح جداول شماره ۲ تا ۵ است.

## جدول ۲. ماتریس ارزیابی IFE عوامل داخلی (ضعف‌ها)

ردیف	عنوان ضعف	وضع موجود (اهمیت)		
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن	نمره موزون
1	طول و نوع سواحل کشورهای حوزه خلیج فارس	2.38	$\frac{1}{41}$	.056
2	هم‌مرز بودن ایران با ۱۵ کشور	2.00	$\frac{1}{41}$	.047
3	تفاوت ایران از لحاظ نژادی و ترکیب قومی و زبانی با کشورهای منطقه	2.18	$\frac{1}{41}$	.051
4	مذهب تسنن به‌عنوان مذهب اول جنوب خلیج فارس	2.29	$\frac{1}{41}$	.054

## راهبردهای تامین منافع ملی... ۱۶۵

وضع موجود (اهمیت)			عنوان ضعف	ردیف
نمره موزون	وزن	میانگین (ضریب اهمیت)		
0.056	$\frac{1}{41}$	2.38	وابستگی نسبی اقتصاد ایران به درآمدهای نفت	5
0.04	$\frac{1}{41}$	1.68	مشکلات اقتصاد ایران به دلیل فشار اقتصادی آمریکا	6
0.035	$\frac{1}{41}$	1.48	رقابت ایران و کشورهای منطقه برای دسترسی به منابع انرژی	7
0.032	$\frac{1}{41}$	1.38	وجود تحریم‌های گسترده علیه ایران توسط آمریکا	8
0.045	$\frac{1}{41}$	1.907	القای ایران هراسی و اسلام هراسی نزد کشورهای منطقه	9
0.045	$\frac{1}{41}$	1.907	وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران	10
0.03	$\frac{1}{41}$	1.29	رویکرد منفی این کشورها به ایران	11
0.059	$\frac{1}{41}$	2.5	فراهم شدن زمینه نفوذ قدرت‌های جهانی در کنترل تنگه هرمز	12
0.051	$\frac{1}{41}$	2.18	ادعای ارضی امارات نسبت به سه جزیره ایرانی	13
0.061	$\frac{1}{41}$	2.59	حضور و نفوذ دشمنان ج.ا.ایران در منطقه	14
0.068	$\frac{1}{41}$	2.88	آلودگی سواحل خلیج فارس	15
0.047	$\frac{1}{41}$	2.0	زمان‌بر بودن شکل‌گیری همکاری‌های امنیتی در منطقه	16
0.822			جمع کل نمرات موزون ضعف‌ها	

جدول ۳. ماتریس ارزیابی IFE عوامل داخلی (قوت‌ها)

ردیف	عنوان قوت	وضع موجود (اهمیت)	
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن
نمره موزون			
۱	موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ج.ا. ایران	3.85	$\frac{1}{41}$
2	قرار گرفتن ایران بین دو دریای مهم مازندران و خلیج فارس	4.2	$\frac{1}{41}$
3	وسعت بیشتر ایران نسبت به همسایگان جنوبی	4.44	$\frac{1}{41}$
4	طول زیاد سواحل ایران نسبت به کشورهای جنوب خلیج فارس	4.29	$\frac{1}{41}$
5	عمق راهبردی مناسب جمهوری اسلامی ایران	4.35	$\frac{1}{41}$
۶	مالکیت ج.ا. ایران بر جزایر حساس خلیج فارس	4.22	$\frac{1}{41}$
۷	کنترل بر تنگه هرمز توسط ایران	3.4	$\frac{1}{41}$
۸	جمعیت زیاد و ترکیب سنی مناسب ایران نسبت به حاشیه جنوبی	3.35	$\frac{1}{41}$
۹	وحدت حول محور اسلامی - ایرانی در ایران	2.94	$\frac{1}{41}$
۱۰	وجود ذخایر مناسب نفت و گاز در ایران	2.87	$\frac{1}{41}$
11	خودکفا بودن ایران در تولید برخی از محصولات کشاورزی راهبردی	3.66	$\frac{1}{41}$
12	ظرفیت‌های گوناگون بالای اقتصادی ایران	3.92	$\frac{1}{41}$
13	وجود ذخایر وسیع و فراوان معدنی در ایران	3.74	$\frac{1}{41}$
14	ایران راه ترانزیت آسیای میانه و قفقاز به دریای آزاد	3.74	$\frac{1}{41}$
15	هویت ملی و سابقه تاریخی طولانی ایران نسبت به کشورهای منطقه	3.59	$\frac{1}{41}$
16	وجود دین مذهب به عنوان عوامل وحدت‌آفرین ایران	3.27	$\frac{1}{41}$
17	ولایت فقیه به عنوان بالاترین رکن نظام ج.ا. ایران	3.72	$\frac{1}{41}$
18	وجود یک دولت متمرکز و واحد در ایران	3.75	$\frac{1}{41}$
19	وجود نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در ایران	3.94	$\frac{1}{41}$
20	عدم وابستگی ایران به قدرت‌های بزرگ	4.31	$\frac{1}{41}$
21	تفاوت نظام حکومتی ج.ا. ایران و این کشورها	3.98	$\frac{1}{41}$
22	توان نظامی بالای نیروهای مسلح ایران	3.29	$\frac{1}{41}$

## راهبردهای تامین منافع ملی... ۱۶۷

وضع موجود (اهمیت)			عنوان قوت	رتبه
نمره موزون	وزن	میانگین (ضریب اهمیت)		
0.086	$\frac{1}{41}$	3.64	وجود صنایع و مؤسسات تحقیقاتی در نیروهای مسلح کشور	23
0.079	$\frac{1}{41}$	3.35	داشتن ویژگی‌های غیر محسوس توان رزم	24
0.098	$\frac{1}{41}$	4.12	تجربه دفاع مقدس و فعالیت‌های مستشاری در عراق و سوریه	25
2.216	جمع کل نمرات موزون قوت‌ها			
1.304	تفاضل مجموع نمرات موزون ضعف‌ها از قوت‌ها			

### جدول ۴. ماتریس خارجی EFE حوزه (فرصت)

وضع موجود (اهمیت)			عنوان فرصت	رتبه
نمره موزون	وزن	میانگین (ضریب اهمیت)		
0.047	$\frac{1}{51}$	2.44	فقدان عمق راهبردی برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس	1
0.039	$\frac{1}{51}$	2.03	قرار گرفتن عمان بر سر راه دریایی و شریک ایران در کنترل تنگه هرمز	2
0.047	$\frac{1}{51}$	2.42	مسلمان بودن و پیروی اکثریت مردم منطقه از اسلام	3
0.043	$\frac{1}{51}$	2.22	وجود مهاجران به عنوان نیروی کار در حاشیه جنوبی خلیج فارس	4
0.047	$\frac{1}{51}$	2.4	فقدان شبکه راه آهن در برخی از کشورهای این منطقه	5
0.032	$\frac{1}{51}$	1.66	گوناگونی ساختار فرهنگی - مذهبی در خلیج فارس	6
0.032	$\frac{1}{51}$	1.66	وجود قبله و اماکن مقدس مسلمانان در مکه و مدینه	7
0.029	$\frac{1}{51}$	1.48	وجود خلق و خوی عشیره‌ای در کشورهای منطقه	8
0.034	$\frac{1}{51}$	1.77	همکاری ایران با عراق و سوریه در مبارزه با تروریسم	9
0.024	$\frac{1}{51}$	1.24	همکاری سوریه، ایران و روسیه در مقابله با تروریسم	10
0.042	$\frac{1}{51}$	2.16	عضویت ایران در پیمان‌های سیاسی دفاعی منطقه‌ای و ..	11
0.036	$\frac{1}{51}$	1.87	بهره‌برداری ایران از ظرفیت‌های شیعیان در منطقه	12
0.046	$\frac{1}{51}$	2.38	برقراری رابطه حسنه با همسایگان و ایجاد درک مشترک از امنیت جمعی	13

## ۱۶۸ فصلنامه تعاملات دیپلماتیک

وضع موجود (اهمیت)			عنوان فرصت	ردیف
نمره موزون	وزن	میانگین (ضریب اهمیت)		
.051	$\frac{1}{51}$	2.62	وجود اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی کشورهای خلیج فارس با یکدیگر	14
.053	$\frac{1}{51}$	2.74	نیود دمراسی در کشورهای جنوبی خلیج فارس	15
.053	$\frac{1}{51}$	2.74	بحران هویت کشورهای جنوبی خلیج فارس	16
.058	$\frac{1}{51}$	2.96	همکارهای تسلیحاتی، نظامی و اطلاعاتی ج.ا.ا. با برخی کشورهای منطقه	17
.059	$\frac{1}{51}$	3.03	الزام آوار شدن معاهدات زیست محیطی در خلیج فارس	18
.051	$\frac{1}{51}$	2.62	تدوین معاهدات زیست محیطی برای خلیج فارس	19
.032	$\frac{1}{51}$	1.68	تلاش برای شکل گیری سیستم امنیت دست جمعی	20
.042	$\frac{1}{51}$	2.18	اعلام پیام دوستی ایران به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس	21
1.006	جمع کل نمرات موزون فرصت ها			

جدول ۵. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی EFE (تهدید)

ردیف	عنوان تهدید	وضع موجود (اهمیت)	
		میانگین (ضریب اهمیت)	وزن
1	قرار گرفتن امارات در کنار تنگه استراتژیک هرمز	4.31	$\frac{1}{51}$
2	تسلط امارات متحده عربی بر رأس‌المستدم	4.16	$\frac{1}{51}$
3	وجود جزایر استراتژیک متعدد مانند مصیره در عمان	4.22	$\frac{1}{51}$
4	وجود ذخایر انرژی در کشورهای منطقه خلیج فارس	3.83	$\frac{1}{51}$
5	درآمد سرانه بالای (نفتی) کشورهای منطقه	4.18	$\frac{1}{51}$
6	نفوذ و قدرت زیاد عربستان در سازمان اوپک	3.85	$\frac{1}{51}$
7	اقدام این کشورها جهت خارج شدن از اقتصاد نفتی	4.01	$\frac{1}{51}$
8	امکانات مناسب و زیرساخت‌های حمل‌ونقل در منطقه	3.62	$\frac{1}{51}$
9	ظرفیت‌های عظیم اقتصادی، بازرگانی، بانکداری و...	2.98	$\frac{1}{51}$
10	هویت‌های فراملی (پان عربیسم و...) در خلیج فارس	3.22	$\frac{1}{51}$
11	سیر صعودی روند نوسازی اقتصادی و... در این کشورها	3.96	$\frac{1}{51}$
12	رابط این دولتها با آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی	3.96	$\frac{1}{51}$
13	حضور آمریکا به عنوان یک بازیگر فرا منطقه‌ای در مقابله با ایران	3.7	$\frac{1}{51}$
14	حضور کشورهای مهم اروپایی در مقابله با ایران	4.38	$\frac{1}{51}$
15	حمایت غرب محور ثبات همسایگان جنوبی	4	$\frac{1}{51}$
16	وابستگی نظامی این کشورها به آمریکا، روسیه و..	4.05	$\frac{1}{51}$
17	برخورداری آمریکا و غرب از پایگاه‌های نظامی متعددی در منطقه	4.51	$\frac{1}{51}$
18	تلاش عربستان برای حفظ نفوذ خود در امنیت داخلی این کشورها	4.2	$\frac{1}{51}$
19	انجام رزمایشهای مشترک نظامی آمریکا و ناتو در منطقه	4.01	$\frac{1}{51}$
20	انجام رزمایشهای مرکب نظامی آمریکا و ناتو با کشورهای منطقه	4.07	$\frac{1}{51}$
21	بهم زدن توازن اکولوژیکی خلیج فارس با ایجاد جزایر ممنوعی	3.55	$\frac{1}{51}$
22	تعبیر نادرست کشورهای حاشیه جنوبی از مفهوم امنیت	4.22	$\frac{1}{51}$
23	حضور بازیگران خارجی در خلیج فارس	4.31	$\frac{1}{51}$
24	نبود پیش شرط‌های لازم جهت ترتیبات امنیت جمعی در خلیج فارس	3.94	$\frac{1}{51}$
2.09 6	جمع کل نمرات موزون تهدیدات		

وضع موجود (اهمیت)			عنوان تهدید	رد
نمره موزون	وزن	میانگین (ضریب اهمیت)		
-1.0 9			تفاضل نمره تهدیدات از فرصت ها	

### راهبردهای بخشی

#### ترسیم راهبردهای بخشی با استفاده از ماتریس SWOT

**S-O:** (که گاهی راهبرد Maxi-Max نام گرفته است) در اجرای راهبردهای SO کنشگر با استفاده از نقاط قوت داخلی می‌کوشد از فرصت‌ها بهره‌برداری نماید. همه مدیران ترجیح می‌دهند سازمانشان در موقعیتی قرار گیرد که بتوانند با استفاده از نقاط قوت از رویدادها و روندهای خارجی بهره‌برداری نمایند.

**W-O:** (یا Mini-Max) هدف استراتژی‌های WO این است که کنشگر با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارج، بکوشد نقاط ضعف داخلی را بهبود بخشد و یا آنکه با برطرف کردن نقاط ضعف حداکثر استفاده را از فرصت‌ها ببرد. گاهی در خارج از سازمان فرصت‌های بسیار مناسبی وجود دارد، ولی سازمان به سبب داشتن ضعف داخلی نمی‌تواند از این فرصت‌ها بهره‌برداری نماید.

در استراتژی **S-T:** یا Maxi-Min کنشگران می‌کوشند با استفاده از نقاط قوت خود اثرات ناشی از تهدیدات موجود در محیط خارج را کاهش دهند یا آن‌ها را از بین ببرند. این بدان معنی نیست که یک سازمان قوی به ناگزیر در محیط خارجی با یک تهدید خارجی مواجه خواهد شد.

در استراتژی **W-T:** یا Mini-Min کنشگران حالت تدافعی به خود می‌گیرند و هدف کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است. سازمانی که دارای نقاط ضعف داخلی است و با تهدیدات بسیار زیادی در

## راهبردهای تامین منافع ملی... ۱۷۱

محیط خارج روبرو می‌شود در موضعی مخاطره‌آمیز قرار خواهد گرفت. در واقع چنین سازمانی، برای بقای خود مبارزه خواهد کرد، می‌کوشد برای حفظ بقای خود از فعالیت‌های خود بکاهد (استراتژی کاهش، همکاری یا واگذاری یا ادغام در سازمان‌های دیگر. در این استراتژی دو سوال مطرح است: چگونه نقاط ضعف خود را کاهش دهیم که اثرات منفی تهدیدها را برطرف کنیم. با توجه به ضعف‌هایی که داریم چه کنیم که اثرات منفی تهدیدها کاهش یابد. کیفیت آنالیز SWOT صوت گرفته بسیار وابسته به ورودیهای ماتریس SWOT است؛ لازم است در تعیین عوامل قوت و ضعف، فرصت و تهدید، از جوانب مختلف به محیط داخلی و خارجی سازمان نگریسته شود تا بتوان ورودیهای صحیحی را در ماتریس SWOT و یا آن چیزی که به پروفایل SWOT شناخته می‌شود داشته باشیم. نکته مهم آن است که از یک سو باید از جامعیت تحلیل محیط درونی و بیرونی اطمینان حاصل کنیم و از دیگر سو نباید تعداد عوامل ضعف، قوت، فرصت و تهدید زیاد باشد. زیاد بودن تعداد عوامل نشان از آن دارد که تفکر راهبردی وجود ندارد. زمانی که همه چیز مهم است هیچ چیز مهم نیست.

### راهبردهای ج.ا. ایران برای تامین منافع ملی در حوزه خلیج فارس

پس از تدوین راهبردهای بخشی و تشکیل ماتریس SWOT تعداد زیادی راهبرد بخشی در راستای تامین منافع ملی به دست می‌آید. به منظور تدوین راهبردهای اصلی می‌بایست اکنون این راهبردها مورد بررسی مجدد واقع گردد و راهبردهای اصلی از ترکیب و همپوشانی راهبردهای بخشی استخراج نمود. که در ادامه به این مهم پرداخته شده است و راهبردهای ج.ا. ایران برای تامین منافع ملی در خلیج همیشه فارس به شرح زیر است:

راهبرد شماره ۱:

تلاش در جهت جلب حمایت همه جانبه برای توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و بخش خصوصی با

برنامه‌ریزی‌های دراز مدت پایدار، و با عنایت به سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز و با هدف تعامل و تامین منافع.

راهبرد شماره ۲:

تلاش برای تامین صلح پایدار، امنیت ملی، ثبات و تعادل منطقه‌ای از طریق همکاری با کشورهای منطقه، ایجاد اعتمادسازی و نشان دادن حسن نیت به دولتها و ملتهای منطقه.

راهبرد شماره ۳:

پیشبرد و تقویت و توسعه دیپلماسی پیشگیرانه و یافتن رویکردهای همگرایانه در همه زمینه‌های (اقتصادی، زیست محیطی، اعتقادی، فرهنگی، و ...) برای اعتمادسازی و حل و فصل اختلافات.

راهبرد شماره ۴:

ایجاد همکاری با یکدیگر به منظور تامین امنیت منطقه بومی و پایدار از طریق همکاری همه جانبه و برطرف کردن دغدغه‌های سنتی نظامی، نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی

راهبرد شماره ۵:

تقویت مشترکات دین اسلام به عنوان ایدئولوژی مشترک حاکم بر مردم منطقه، حذف و رفع اختلافات مذهبی و قومی، ایجاد فضای سیاسی بدون چیرگی، تغییر ذهنیت‌های منفی تاریخی کشورهای پیرامون خلیج فارس از هم، شفاف‌سازی اهداف نظامی این کشورها، اتخاذ شیوه‌های جدید در برقراری امنیت در

خلیج فارس

راهبرد شماره ۶:

توسعه آموزه‌های الهام‌بخش انقلاب اسلامی برای مسلمانان منطقه بعنوان سرآغاز بیداری اسلامی در شرایط امروز جهانی جهت منزوی کردن آمریکا و رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی

راهبرد شماره ۷:

## راهبردهای تامین منافع ملی... ۱۷۳

جلوگیری از اقدامات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه منابع حیاتی و حساس ج.ا.ایران با بهره‌گیری از تمامی قابلیت‌ها و امکانات داخلی و خارجی راهبرد شماره ۸:

ارتقای توان دفاع در عمق (آفند راهبردی) به منظور کسب آمادگی اقدام به موقع علیه دشمن در منطقه از طریق بهره‌گیری از قابلیت‌های سخت‌افزاری، مهارت و توانایی، سازماندهی نیروی نظامی و نیروی مردم پایه .

راهبرد شماره ۹:

تقویت اتحاد ملی با استفاده از حمایت از آیین‌های مختلف قومی و مذهبی، برگزاری جلسات توجیهی و اطلاع‌رسانی توسط مبلغان با محور قراردادن اتحاد ملی و انسجام اسلامی، تهیه برنامه‌هایی از جشن‌ها و عزاداری‌های دینی و ملی اقوام مختلف، احصای نمادهای وحدت ملی در هر استان و تبلیغ آن.

راهبرد شماره ۱۰:

کمک به ایجاد اقتصاد چند محصولی و ساماندهی فعالیت‌های دریا پایه و مصرف درآمدهای نفتی در پشتیبانی از بخش تولید و تقویت صادرات کالاهایی مانند پسته، زعفران، خشکبار و صنایع تبدیلی و ... که از جمله پتانسیل‌های مثبت صادراتی کشور محسوب می‌شود و کشور در آن مزیت نسبی دارد.

راهبرد شماره ۱۱:

بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیکی و شکل جغرافیایی سواحل خلیج فارس، تقویت و توسعه سواحل و ایجاد بنادر و کشتیرانی داخلی و خارجی

اولویت‌بندی راهبردها

پس از تدوین راهبردها آخرین مرحله تشکیل ماتریس QSPM به منظور رتبه‌بندی راهبردها به لحاظ میزان اهمیتی که در رسیدن به هدف تامین منافع ملی ایران در خلیج فارس است که نتایج به شرح جدول شماره ۶ است:

## جدول ۶. اولویت راهبردها

ردیف	شرح راهبرد	نوع راهبرد	نمره جذابیت نسبی
۱	تاکید بر مشترکات دین مبین اسلام به عنوان ایدئولوژی مشترک حاکم بر منطقه، حذف و رفع اختلافات مذهبی بین ایرانیان و اعراب، ایجاد فضای سیاسی بدون چیرگی، تغییر ذهنیت های منفی تاریخی کشورهای پیرامون خلیج فارس، از هم، شفاف سازی اهداف نظامی این کشورها، اتخاذ شیوه های جدید در برقراری امنیت خلیج فارس	فرهنگی - اعتقادی	۰.۱۴۶
۲	توسعه آموزه های الهام بخش انقلاب اسلامی بعنوان سرآغاز، بیداری اسلامی در شرایط جهانی امروز جهت منزوی کردن آمریکا و رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه ای و بین المللی	فرهنگی - اعتقادی	۰.۱۳۰
۳	جلوگیری از اقدامات خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه منابع حیاتی و حساس ج.ا.ایران با بهره گیری از تمامی قابلیت و امکانات داخلی و خارجی	امنیتی	۰.۱۲۸
۴	پیشبرد و تقویت و توسعه دیپلماسی پیشگیرانه و یافتن رویکردهای همگرایانه در همه زمینه های (اقتصادی، زیست محیطی، اعتقادی، فرهنگی، و ...) برای اعتمادسازی و حل و فصل اختلافات	سیاسی	۰.۱۲۴
۵	تلاش برای تأمین صلح پایدار، امنیت ملی، ثبات و تعادل منطقه ای از طریق همکاری با کشورهای منطقه، ایجاد اعتمادسازی و نشان دادن حسن نیت	سیاسی	۰.۰۷۵
۶	جلب حمایت همه جانبه برای توسعه زیرساخت های مورد نیاز، حمایت از سرمایه گذاری های داخلی و خارجی و بخش خصوصی با برنامه ریزی های دراز مدت پایدار، و با عنایت به سیاست های کلی نظام و سند چشم انداز و با هدف تعامل و تأمین منافع	اقتصادی	۰.۰۷۳
۷	بهره گیری از مزیت های ژئوپلیتیکی و شکل جغرافیایی سواحل خلیج همیشه فارس، تقویت و توسعه سواحل و ایجاد بنادر و کشتیرانی داخلی و خارجی	اقتصادی	۰.۰۷۲
۸	کمک به ایجاد اقتصاد چند محصولی و ساماندهی فعالیت های دریا پایه و مصرف درآمدهای نفتی در پشتیبانی از بخش تولید و تقویت صادرات کالاهایی مانند پسته، زعفران، خشکبار و صنایع تبدیلی و ... که از جمله پتانسیل های مثبت صادراتی کشور محسوب می شود و کشور در آن	اقتصادی	۰.۰۶۷

## راهبردهای تامین منافع ملی... ۱۷۵

ردیف	شرح راهبرد	نوع راهبرد	نمره جذابیت نسبی
	مزیت نسبی دارد		
۹	ایجاد همکاری با کشورهای منطقه‌ای به منظور تأمین امنیت منطقه از طریق همکاری همه جانبه و برطرف کردن دغدغه‌های سنتی نظامی، نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی	امنیتی	۰,۰۶۶
۱۰	ارتقای توان دفاع در عمق (آفند راهبردی) به منظور کسب آمادگی اقدام به موقع علیه نیروهای دشمن در منطقه از طریق بهره‌گیری از قابلیت‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، مهارت و توانایی، مدیریت و سازماندهی نیروی نظامی و نیروی مردم پایه	نظامی	۰,۰۶۱
۱۱	تقویت اتحاد ملی با استفاده از حمایت از آیین‌های مختلف قومی و مذهبی، برگزاری جلسات توجیهی و اطلاع‌رسانی توسط مبلغان با محور قرار دادن اتحاد ملی و انسجام اسلامی، تهیه برنامه‌هایی از جشن‌ها و عزاداری‌های دینی و ملی اقوام مختلف، احصای نمادهای وحدت ملی در هر استان و تبلیغ آن	فرهنگی اعتقادی	۰,۰۵۸
جمع نمرات نسبی جذابیت			۱

### نتیجه‌گیری

تامین منافع ملی کشور در گرو تامین و تضمین امنیت ملی و از مهم‌ترین شاخصه‌های یک حکومت پویا و مقتدر است که رجال سیاسی، نظامی و امنیتی حاکمیت خود را متعهد به تامین آن می‌دانند. بر همین اساس تدوین راهبرد امنیت ملی از راهبردی‌ترین اقدامات نرم‌افزاری در جهت تامین منافع ملی محسوب می‌شود. نگاه مدرن به امنیت، نگاهی چندسویه است و طیفی از عوامل (قوت‌ساز، ضعف‌ساز، فرصت‌ساز و تهدیدساز) را شامل می‌شود که در زمینه‌های گوناگون فرصت ظهور و بروز پیدا می‌کنند. یکی از عوامل مهم در این زمینه عامل ژئوپلیتیک و موقعیت سرزمینی است. کشور ایران به علت قرارگرفتن در منطقه راهبردی حساس غرب آسیا از یک موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. بطوریکه نه تنها خود یک کانون ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود،

بلکه با ۶ حوزه مهم ژئوپلیتیکی در ارتباط است. این حوزه‌ها با عنایت به وزن و موقعیت خود در تدوین راهبرد امنیت ملی ایران تاثیرگذار هستند. اما در میان این حوزه‌ها حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به خاطر شأنی که در معادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی در منطقه و جهان، نقش بسیار فعال و تعیین‌کننده‌ای در امنیت ملی و در نتیجه تامین منافع ملی ایران دارد. جمهوری اسلامی می‌بایست متناسب با اهمیتی که خلیج فارس از آن برخوردار است نسبت به گسترش و توسعه توان خود در این منطقه اقدام کند. لذا جا دارد که توجه کامل نظام اسلامی به خلیج فارس و تنگه هرمز معطوف شود. سیاست نظام جمهوری اسلامی بر حفظ امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه و خروج بی‌قید و شرط نیروهای بیگانه از منطقه و ایجاد جو تفاهم و دوستی بین کشورهای منطقه با تکیه بر مشترکات و نیز همکاری‌های متقابل جهت رفع نیازهای یکدیگر استوار است. بنابراین برای تدوین راهبردهای تامین منافع ملی ج.ا.ایران در خلیج فارس باید به ملاحظات ذیل توجه نمود:

الف - با عنایت به اهمیت و شان ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی منطقه‌ای و جهانی خلیج فارس این حوزه بعنوان مهم‌ترین کانون امنیتی ایران محسوب می‌شود که در تدوین راهبردی امنیت ملی و دکترین امنیت در کشور جمهوری اسلامی ایران باید به این مقوله توجه جدی به عمل آید.

ب - از نظر منابع ناامنی ایران در حوزه خلیج فارس به لحاظ فرامنطقه‌ای، آمریکا بعنوان مهم‌ترین دشمن ایران و عمده‌ترین بازیگر فرامنطقه‌ای حاضر در خلیج فارس نقش اساسی و محوری را در امنیت ملی ایران ایفا می‌کند. آمریکا طی دوران حضور چند دهه‌ای خود در خلیج فارس، نه تنها بخش عمده‌ای از توان و انرژی دفاعی - امنیتی ایران را به خود مشغول کرده است، بلکه در مواردی به طور مستقیم علیه امنیت، منافع و تمامیت ارضی ایران از این حوزه وارد عمل شده است.

ج - یکی از قابلیت‌های شاخص حوزه خلیج فارس در ایفای نقش مهم در تامین

منافع و امنیت ملی ایران نسبت به سایر حوزه‌ها، تعامل امنیت داخلی و تمامیت ارضی ایران در این حوزه با سیستم و نظام امنیت منطقه‌ای موجود است. تاثیرپذیری منافع و امنیت ملی ایران از متغیرهای امنیتی بیرونی و رفتارها و اقدامات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و یا تاثیرگذاری متقابل ایران بر این محیط و سیستم، یک نظام و ساختار و وضعیت پیچیده و حساس را موجب شده است.

### پیشنهادات

۱- توافق‌هایی میان کشورهای حوزه خلیج فارس به منظور تأمین امنیت و منافع متقابل اقتصادی و زیست محیطی و همکاری‌های فرهنگی با توجه به دین مشترک می‌تواند عامل مهمی در شکل‌دهی نظم منطقه‌ای و در نتیجه تأمین منافع ملی ج.ا.ایران در آینده باشد. (تشکیل اتحادیه همکاری‌های اقتصادی)

۲- همزمان با گسترش روابط اقتصادی، تقویت ارتباطات در دیگر زمینه‌ها موثر است. به لحاظ وجود برخی خصوصیات مشترک فرهنگی و اجتماعی بین مردم منطقه، باید در توسعه و تقویت این گونه روابط تسهیلات بیشتری فراهم کرد. تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی موجب افزایش همبستگی بوامع منطقه خواهد شد.

۳- کشورهای منطقه باید مذاکراتی در جهت انعقاد موافقتنامه‌های مودت و دوستی آغاز کنند. این گونه اقدامات نه تنها موجب کاهش تنشهای منطقه‌ای می‌شود، بلکه در ایجاد تفاهم سیاسی بین کشورهای منطقه بسیار موثر خواهد افتاد.

۴- در شرایط فعلی ملاحظات متنوعی بر روابط ایران و کشورهای خلیج فارس سایه افکنده است که با شناخت آنها، بازتعریف و اتخاذ رویکرد جدیدی از مناسبات ضرورت دارد که می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های بیشتر و همگرایی بین کشورهای منطقه شود.



## منابع

### فارسی

- آسفف، اچ. ایگور وادوارد جی. مک دانل. (۱۳۷۵). استقرار مدیریت راهبردی، ترجمه عبدالله زندیه. تهران. انتشارات سمت
- آهنچی، محمد (۱۳۸۹)، راهبردی مدیریت راهبردی، چاپ ۱. تهران. شرکت تعاونی کار آفرینان فرهنگ و هنر. انوری، حسن. (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول جلد چهارم، تهران، نشر سخن.
- الهی، همایون (۱۳۹۶)، خلیج فارس و مسایل آن، تهران، نشر قومس.
- برژینسکی، زی بیگنیو برژینسکی (۱۳۸۱)، خارج از کنترل اغتشاشات جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم، ترجمه: دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم، انتشارات اطلاعات.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- جعفری ولدانی اصغر (۱۳۸۸)، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- جودت، بهجت (۱۳۸۰)، امنیت نفت در هزاره جدید، ژئواکونومی در برابر ژئو استراتژی»، ترجمه: قدیر نصری مشکینی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۵-۱۶۶
- دیتل، ویلهیم (۱۳۷۶)، جهاد در راه خدا، ترجمه: دکتر جواد کرمانی و سکینه کرمانی. رستمی، محمد (۱۳۹۲). تحلیل ژئوپلیتیکی حوزه خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون فزایی. زمستان ۹۲.
- رفیعی، عبدالله (۱۳۸۱)، بازنگری جایگاه استراتژیک خلیج فارس و جزایر ایرانی»، نشریه ابرار، ۲۰ آذرماه.
- رودباری، لواء فیلی (۱۳۷۵)، کویت (کتاب سبز)، تهران موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

زارعی، بهادر (۱۳۷۸)، جغرافیای سیاسی خلیج فارس، رسالت، ۱۴ شهریورماه ۱۳۷۸.  
عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۴)، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر  
المصطفی.

مدنی، امیر باقر (۱۳۶۳)، اوپک اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، تهران انتشارات  
رجاء

مرادی، عبدالله (۱۳۹۴)، رویکردهای گوناگون به نظام امنیتی خلیج فارس، اندیشکده  
راهبردی تبیین، ۹ خرداد.

مرکز تحقیقات راهبردی (۱۳۸۹)، ایران و امنیت انرژی، گزارش ۳۲۶، معاونت  
پژوهش سیاست خارجی.

معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر.

مورگنتا، هانس. جی (۱۳۷۹). سیاست میان ملت‌ها. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر  
مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم .

نامدار، مظفر (۱۳۹۰)، بهائیت آنگونه که هست، نشر موسسه فرهنگی مطبوعاتی جام  
جم.

## References

- Mintzberg, H. (1994), "The rise and fall of strategic planning" prentice Hal. <https://www.parsi.wiki/fa>
- Reuters (2016), Saudi Arabia may take more measures against Iran in execution row: foreign minister, 9 January 2016, In <[www.reuters.com/article/us-saudi-iran](http://www.reuters.com/article/us-saudi-iran)>.